

# بررسی لوازم نفس شناختی نظریه مثل؛

## مناقشه در دفاع ملاصدرا از مثل

علی شیروانی\*، دانشیار گروه فلسفه و کلام پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
فاطمه رازی زاده\*\*، دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی دانشگاه تهران، پردیس فارابی

### چکیده

آنکه: باور به قدم نفس و نظریه تذکارتی معرفت و توقف نفس شناسی افلاطون بر مجرد عقلانی متمایز از بدن مادی، در برابر اندیشه ملاصدرا مبنی بر جسمانیة الحدوث بودن نفس و عقیده به تأسیسی بودن معرفت و نیز وجود رابطی نفس، از اهم نقاط افتراق نظام فکری این دو فیلسوف شمرده شده و در نتیجه هرگونه کوشش برای جمع میان این دو دیدگاه را بیثمر میسازد.

### کلیدواژگان

نظریه مثل  
معرفت  
نفس  
فناناپذیری

### ۱. مقدمه

نظریه مثل، از مهمترین اصول و نظریات فلسفی افلاطون است که همواره بوجهی بر اندیشه های فلسفی در سراسر تاریخ تأثیرگذار بوده است. این نظریه که بباور قاطبه مورخین و مفسرین فلسفه، کانون اصلی و محور تمامی تفکر افلاطون بشمار میرود، گرچه در طول تاریخ

نظریه مثل از مهمترین نظریات فلسفی بی بشمار میرود که بر اندیشه بیشتر متفکرین در اعصار مختلف تأثیرگذار بوده و فلاسفه ناگزیر از پذیرش یا رد آن شده اند. غالب فلاسفه مسلمان نیز نسبت به این نظریه بیتفاوت نبوده اند و کلیت نظریه را پذیرفته اند. اما اغلب، این نظریه در نظام فکری ایشان به تأویل و تحویل برده شده است. ملاصدرا معتقد است که با استمداد از مبانی فلسفی خویش تبیینی از نظریه مثل ارائه داده، که کاملاً منطبق بر غرض افلاطون است. پرسش اینکه، در حالیکه نظریه مثل از جهات بسیاری از جمله حوزه علم النفس، با مبادی فلسفی ملاصدرا ناسازگار است، آیا این تلاش فلسفی او موفق بوده است؟ پژوهش حاضر میکوشد این پرسش را با توجه به لوازم نفس شناختی بی که از این نظریه برخاسته مورد مذاقه و تحلیل قرار دهد. در این مقاله، پس از بررسی جامع ابعاد و لوازم نفس شناختی نظریه مثل و نیز بیان دیدگاه ملاصدرا در باره این نظریه و دفاع وی از آن، به همراه بیان کلیتی از علم النفس صدرایی، ناسازگاریهای مبادی نفس شناختی حکمت متعالیه با لوازم نظریه مثل افلاطونی بتصویر کشیده میشود و دفاع سرسختانه صدرالمتألهین از این نظریه زیر سؤال میرود. فرجام

\*.Email: Shirvani@rihu.ac.ir

(نویسنده مسئول) \*\*.Email: frazizade@gmail.com

تاریخ تأیید: ۹۳/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۱۴